نقد منتقد

«دیالوگ با متن» نوشته محمد ریاحی در دانشگاه فردوسی نقد و بررسی شد

رویداد

خادم| «دیالوگ با متن» عنوان کتابی است که تاکنون ۲ جلد از آن منتشر شده است. در کتاب اول داستان‌هایی از جلال آل‌احمد، صادق هدایت، بزرگ علوی و لیلا صبوحی خامنه و در کتاب دوم آثاری از ولفگانگ بورشرت، ارنست همینگوی، ویلیام مارچ و ریموند کارور مورد نقد و بررسی و بازنویسی محمد ریاحی قرار گرفته است. مؤلف این اثر در نشست نقد و بررسی کتاب خود که با حضور جمعی از منتقدان، داستان‌نویسان و علاقه‌مندان به ادبیات داستانی در کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد، گفت: از ۱۵ سال پیش کار بر روی مجموعه «دیالوگ با متن» را شروع کردم و هر داستانی که روی آن کار می‌کردم وقت زیادی از من گرفت؛ مثلا داستان «بچه مردم» آل‌احمد ۶ ماه زمان مرا گرفت. آنچه در این کتاب ارائه شده صرفا یک برخورد است که می‌تواند در کنار ده‌ها برخورد دیگر با این داستان‌ها قرار گیرد.

پس از صحبت‌های این نویسنده و منتقد باسابقه مشهدی، حاضران در جلسه پرسش‌ها یا نقدهای خود را مطرح کردند. یکی از نقدهای واردشده به کتاب این بود که شکل و شمایل و استانداردهای کار پژوهشی را ندارد و فاقد مأخذ است. ریاحی در پاسخ تأکید کرد: این متن به هیچ‌وجه پژوهشی نیست و قبل از هر چیز شیوه خوانش و مواجهه با یک متن را به ما ارائه می‌دهد. اصلا قصدم این نبوده که مطابق موازین و استانداردهای کتابخانه‌ها نوشته شود. من این کتاب را برای مخاطب خاص نوشته‌ام و اگر مخاطب نداشت شکست با من است و من شکست را می‌پذیرم.

این مدرس داستان‌نویسی داستان‌هایی را که در اثر خود آورده، بازنویسی و بخش‌هایی از آن را حذف و تدوین مجددی از آن‌ها ارائه کرده است و به گفته خودش با این کار خود را در معرض داوری مخاطب قرار داده است. اما سؤال یکی از حاضران در جلسه این بود که آیا صحیح است با توجه به تحولاتی که در اندیشه به وجود آمده و دانشی که امروز برای ما فراهم شده است، با اثری که چنددهه پیش نوشته شده و از این‌ها محروم بوده است این‌طور برخورد کنیم؟ مؤلف کتاب در پاسخ گفت: اگر به لحاظ اخلاقی بپرسید می‌گویم خیر. در این کتاب نوشته‌ام که آن بزرگان کار خودشان را کردند و هر نوع نقدی به آن‌ها به این علت است که بسیاری از داستان‌نویسان جوان ما وقتی وارد این حوزه می‌شوند، فکر می‌کنند اوج نویسندگی همان چیزی است که جلال نوشته است. اما از داستان شانزده‌صفحه‌ای «گلدسته‌ها و فلک» او باید ۱۲ صفحه‌اش را ریخت سطل آشغال. ما با خود نویسنده کار نداریم. اولین سنگ بنای من در این اثر حضور نداشتن مؤلف است. مؤلف به معنی واقعی کلمه مُرده است. آنچه برای من معنا دارد، متن است. آن هم نه به آن معنا که عده‌ای معتقد بودند دارای معنای پنهانی است و وظیفه ناقد کشف معنا از درون آن است، بلکه به این معنا که متن صامت است، یعنی به نسبت مخاطب امکان زایش معنا دارد و تولید می‌شود. ما هستیم که در برخورد با متن معنا را شکل می‌دهیم. ما به آن سمت‌وسو می‌دهیم و برایش معنا می‌سازیم و در این رابطه دوسویه خودمان را معنا و جایگاه خودمان را در هستی مشخص می‌کنیم.

آوای هوش

زبان حال

ایرج طوفان| در تعریفی «منطقی»، انسان را «حیوان ناطق» می‌دانیم. مقصود از قوه ناطقه در این تعریف، توانایی اندیشیدن است و اندیشه در ارتباط مستقیم با زبان قرار دارد. با بیانی دیگر، حیوانِ ناطق بالقوه سخن‌گوست. این در حالی است که برخی حیوانات دیگر نیز برای انتقال پیام به همنوعان خود یا انواع دیگر حیوانات، از برخی اصوات مشخص استفاده می‌کنند. برای مثال، گونه‌ای از خدنگ‌ها به نام میرکَت نزدیک شدن دشمن را با تولید صدایی مخصوص، به قبیله هشدار می‌دهد یا پرنده‌ای به نام بوجانگای دم‌دوشاخه‌ای (درونگوی دم‌چنگالی) در استفاده‌ای پیشرفته‌تر از زبان که مستقیما به هوش برمی‌گردد، برای به دست آوردن غذا دروغ می‌گوید.

این پرنده با تولید بانگ هشدار، به حیوانات دیگر می‌فهماند خطری در کمین است و وقتی همگی هرچه در دست داشتند رها کردند و فرار را بر قرار ترجیح دادند، بوجانگا خوان گسترده را به یغما می‌برد. پس از چند بار استفاده از این ترفند، حقه لو می‌رود. در این مرحله، بوجانگا کلکی دیگر سوار می‌کند. او این بار صدای هشدار قربانیان را تقلید می‌کند و البته به مقصود پلید خود می‌رسد! (news.nationalgeographic.com)

به تعریف «انسان» بازمی‌گردیم: حیوان ناطق. هر تعریف منطقی باید جامع و مانع باشد. جامع یعنی همه ویژگی‌های مفهوم مدنظر را معرفی کند و مانع به معنای آن است که به تعریف اجازه ندهد مفهومی جز مفهوم مورد نظر را در بر بگیرد. برای نمونه، تعریف «حیوان چهارپا» برای اسب مانع نیست چون چهارپایان دیگر مثلا «گربه» را نیز شامل می‌شود. با توجه به آنچه از رفتارهای زبانی میرکت و بوجانگا ذکر شد، آیا تعریف «حیوان ناطق» برای نوع «انسان» همچنان مانع است؟

زبان انسان با زبان حیوانات دیگر تفاوتی عمده دارد: زایایی؛ یعنی می‌توان بی‌نهایت جملات تازه‌ای ساخت که احتمالا تا پیش از آن کسی آن‌ها را عینا تولید نکرده است. هر جمله به مثابه سازه‌ای لگویی، از تعداد محدودی بلوکه ساخته شده است. هرچند تعداد بلوکه‌های بازی لگو محدود است، می‌توان با آن‌ها بی‌نهایت حجم ساخت. واج‌های هر زبان نیز محدودند اما با در کنار هم چیدن این واج‌های معدود و از پیش مشخص، می‌توان تعداد زیادی واژه و با واژه‌ها بی‌شمار جمله ساخت. اگر این فرایند را از انتها به ابتدا انجام دهیم (از جمله به واج) همان کاری را کرده‌ایم که زبان‌شناسان به آن «تجزیه دوگانه» می‌گویند. «در همه زبان‌های انسانی می‌توان جمله‌های پیچیده و نامحدود آن را به عناصر معنادار که گاهی یک واژه و گاهی جزئی از یک واژه هستند و به زبان فنی به آن‌ها تکواژ می‌گویند تقسیم کرد. ولی این عناصر معنادار نیز به نوبه خود از تعدادی معدود صدا که زبان‌شناسان آن‌ها را واج می‌نامند ساخته شده‌اند و جابه‌جایی یا ترکیب‌های متفاوت این صداهاست که واژگان یا مجموعه واژه‌های زبان را می‌سازد» (محمدرضا باطنی، بخارا، هم‌زبان شدن با شامپانزه، سال هجدهم، شماره ۱۱۴، مهر-آبان ۱۳۹۵، ص. ۵۵).

۱-لطفا مانع بسته شدن در نشوید
۲-لطفا/مانع/ـِ/بسته/شدن/ـِ/در/نشوید
۳-لطف/ـَن/مانع/ـِ/بست/ـه/شد/ـَن/ـِ/در/نَ/شو/ید
۴-ل/ـُ/ط/ف/ـَ/ن/م/ا/ن/ـِ/ع/ـِ/ب/ـَ/س/ت/ـه/ش/ـُ/د/ـَ/ن/ـِ/د/ـَ/ر/ن/ـَ/ش/ـُ/و/ی/د

در تجزیه ۱ به ۲، جمله به واژه‌هایش تقسیم شده است. در مرحله سوم واژه‌ها به تکواژ و در آخر، تکواژها به واج تقسیم می‌شوند، کوچک‌ترین اجزای زبان که خود معنی ندارند اما تمایز معنایی ایجاد می‌کنند. این ویژگی همان است که به تولید بی‌نهایت داده‌های زبانی می‌انجامد. برخلاف این، زبان حیوانات آواهایی یکپارچه، بسیار محدود، غیرخلاق و تقسیم‌ناپذیر است. پس به نظر می‌رسد نمی‌تواند محملی برای اندیشه‌های ژرف و بی‌پایان انسانی باشد.

شیخ اشتیاق احمد، مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جواهر لعل‌نهرو دهلی:
در هندوستان زبان فارسی و آموزش آن در حال کم‌رنگ‌شدن است، ولی شکرخدا هنوز در دانشگاه‌های مهم هندوستان، دپارتمان‌های زبان فارسی داریم و دانشجویان زبان فارسی را می‌خوانند.

ترانه دهه ۹۰ به هیچ‌وپوچ رسیده است

نشست «بررسی تحول ترانه امروز» با حضور جمعی از شاعران در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد

گزارش

مریم قاسمی| چیزی که امروز به عنوان ترانه در صدای خوانندگان می‌شنویم، همان «نی» باقیمانده از «نبات» موسیقی ماست که از قبل انقلاب تاکنون موادش تحلیل رفته و جز اندک نبات چسبیده به دیواره‌های داخل نی، چیزی از آن باقی نمانده است؛ این توصیف را علیرضا بدیع، در نشست «بررسی تحول ترانه امروز» که روز یک شنبه در مجتمع کانون‌های فرهنگی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شده بود، به زبان آورد تا بگوید در سیر تحول ترانه، در دهه ۹۰ به هیچ‌وپوچ رسیده‌ایم. این شاعر و ترانه‌سرای اهل نیشابور در این نشست که جمعی از شاعران مشهد نیز در آن حضور داشتند، همراه با دکتر حسن رضایی بحرآباد، پژوهشگر فرهنگی، به تحلیل تحول ترانه از پیش از انقلاب تا امروز پرداخت. در ادامه بخش‌هایی از آنچه در این جلسه گفته شد، خواهد آمد.

ترانه پیش از انقلاب

علیرضا بدیع: خوانندگان نسل اول موسیقی ایران در تصنیف‌ها و انتخاب‌های آوازی‌شان پایبند تام به ادبیات و موسیقی کلاسیک بودند؛ بعدها تعدادی جوان خوش‌فکر به نام اردلان سرفراز، ایرج جنتی عطایی، زویا زاکاریان و شهیار قنبری طرحی نو در ترانه درانداختند. در این ترانه‌ها دغدغه‌های مردم، نوع اندیشه و سلوکشان، اقتضای سیاسی و اجتماعی و... مهم‌ترین مؤلفه‌ها بودند. البته این‌طور نیست که پیش از آن‌ها اندیشه‌ای در ترانه نبوده، بلکه منظور پررنگ‌تر شدن اندیشه است. نکته مهم دیگر این است که آن دوره ترانه در خدمت خودش قرار گرفت؛ مثلا وقتی کتاب «تاریخ در ترانه» را ورق می‌زنیم، ترانه‌هایی می‌بینیم که به اقتضای زمان و شرایط سروده شده‌اند اما پس از آن روزگاری رسید که ترانه در خدمت خودش و برای خلق زیبایی به کار می‌رفت، به‌گونه‌ای که فارغ از اثر موسیقایی‌ای که برایش ساخته شده بود، مؤلفه هنری داشت؛ مثلا در اثر «توی گستره رؤیا، ای سوار اسب ابلق/دنبال کدوم مسیری، توی تاریکی مطلق» فارغ از موسیقی و صدای خواننده، از خود ترانه لذت می‌بریم. در این دوران نوع نگاه شاعر به کلام تغییر کرده بود، به‌گونه‌ای که دریچه‌هایی نو از شعر به روی مردم می‌گشود که مهم‌ترین آن‌ها تغییر زبان ترانه بود. در حقیقت در زبان ترانه پیش از دهه ۴۰، کلام خسته‌کننده است. می، پروانه، شمع، قمر در عقرب، مطرب و... یکنواختی خسته‌کننده‌ای را تداعی می‌کردند. اما در ترانه «کیوکیو، بنگ‌بنگ» زویا زاکاریان دغدغه‌های متفاوتی مطرح می‌شود و در هر بخش ترانه یک اپیزود تاریخی برایمان ترسیم می‌شود، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت چنین ترانه تفکرآمیزی در ترانه‌های ما نبوده است. پس از آن اتفاق خوبی در مدیریت فرهنگی کشور افتاد. شورای ترانه‌ای که آقای نیره‌سینا تأسیس کرده بود و ۶ شاعر کلاسیک‌سرا از جمله هوشنگ ابتهاج و پژمان بختیاری آن را مدیریت می‌کردند اجازه یافت شورای ترانه امروزی هم تشکیل دهد. این اتفاق سبب ایجاد خط فکری نسل جدید شد و با حمایتی که در آن دوره صورت گرفت استعدادهایی چون منوچهر و ناصر چشم‌آذر، محمد حیدری، واروژان و... کشف شدند و در ۲ دهه طلایی کارهای ماندگاری از خود باقی گذاشتند.

حسن رضایی بحرآباد: برای پرداختن به ترانه‌سرایی به عنوان وجهی از موسیقی باید به مؤلفه‌های اجتماعی توجه کنیم. همچنین هر پدیده اجتماعی باید با پدیده هم‌صنف خود مقایسه شود که هنر و موسیقی نیز از این دایره خارج نیستند؛ بنابراین برای بررسی ترانه باید به موسیقی توجه کرد. از اواسط دوره قاجار موسیقی همراه شعر وارد زمینه اجتماعی می‌شود و به میان عامه می‌آید که یک دلیلش هم بزرگ‌شدن شهرها و تأسیس مدرسه‌ها و... است؛ همچنین تحولات اجتماعی و تب‌وتاب دوران مشروطه عاملی است که محتوای شعرها را از مضمون‌های کهن عرفانی و غنایی به مضامین اجتماعی و سیاسی بدل می‌کند. در آن زمان در آثار موزیسین‌هایی چون شیدا و عارف قزوینی، ترانه‌هایی با مضامین ملی، سیاسی و مذهبی وجود داشت. این موسیقی با جدا شدن از دربار و پیدایش امکانات سخت‌افزاری چون سیستم پخش صدا، عمومیت بیشتری یافت و به میان مردم رسوخ کرد. پیش از دهه ۴۰ در ویژه‌برنامه «گل‌ها» ۳۵۰ ترانه ساخته شد که ۴۸۵۰ کلمه غیرتکراری در آن به کار رفته است. ما از اواخر دهه ۴۰ که وارد جریان ترانه‌سرایی نوین می‌شویم، می‌بینیم در ۲۰۰ ترانه‌ای که در دوران نوین و در فرمت موسیقی پاپ ساخته شده است، ۵۴۵۰ کلمه غیر تکراری وجود دارد. در بررسی فضای دهه ۳۰ و ۴۰ می‌بینیم بعد از کودتای ۲۸ مرداد مفاهیمی چون آزادی سیاسی، ملی شدن صنعت نفت و... در کشور پررنگ می‌شود که این‌ها گرچه در موسیقی تأثیر مستقیمی نداشتند، در شعر وارد شدند و ترانه را تحت‌تأثیر خود قرار دادند. پس از کودتا و به دنبال آن اختناق سیاسی، حکومت تصمیم گرفت دوره‌ای با عنوان «خوش‌باشی اجتماعی» ایجاد کند. این باعث شد موسیقی کوچه‌بازاری رواج یابد. در آن دوره که تلویزیون هم به دستگاه‌های پخش صدا اضافه شده بود، این خوش‌باشی اجتماعی را تقویت می‌کرد و همین شد که ترانه‌های کوچه‌بازاری رواج یافتند. اما اتفاق مهم دیگر دهه ۴۰، خارج‌شدن پخش موسیقی از انحصار دولت و آغاز ورود بخش خصوصی در این زمینه بود. این خصوصی شدن شعر را از سفارشی شدن خارج کرد که خود در ترانه تأثیرگذار بود. به‌طور کلی پرتکرارترین واژه‌ها در ترانه‌های کلاسیک عشق، مستی، گل، ماه، مه، ماهی و... بود که در جریان تحولش در ترانه نوین به شب، قصه، گریه، تن، خاک، صدا، سایه، مرگ، آینه، فریاد، غریبه، تنها و... تغییر کرد.

ترانه پس از انقلاب

بدیع: از زمان انقلاب تا حدود ۱۰ سال شعر و موسیقی هیچ رشدی نداشت. در دوره جنگ مجموعه شعری سروده نشد و شعر جریان‌سازی بروز و ظهور نکرد. در واقع از آن زمان بیشتر شعار باقی مانده است. تا اینکه در سال ۶۸ مجموعه عاشقانه‌ای از سهیل محمودی و چند غزل از سیمین بهبهانی تولید شد که آغاز شعرهای خوب است. آن زمان سرودی هم اگر تولید می‌شد در خدمت ایدئولوژی بود. این سرودهای انقلابی مؤلفه‌های خون، شهادت، لاله، اتحاد، دشمن و... داشت. در دهه ۷۰ یعنی دوره پس از جنگ و دوره سازندگی تلویزیون و شوراهای فرهنگی به این موضوع توجه کردند و با توجه به نیاز جامعه ترانه‌هایی سروده شد و آثار موسیقی تولید می‌شد اما این آثار بیشتر طبیعت‌گرایانه بودند و ضرب نداشتند. در این دوره که می‌توان نام طبیعت‌گرایی بر آن گذاشت از مؤلفه‌های عاشقانه پرهیز می‌شد و اگر عشقی هم در آثار بیان می‌شد، عشق عفیف و پاکی بود که آن را با موسیقی فاخر تلفیق می‌کردند. اما دهه ۸۰ آغاز دوره‌ای است که جوانه‌های عاشقانه در ترانه زده شد. در این دوره ساختارشکنی‌هایی هم صورت گرفت، مثلا سال ۸۴ فرید احمدی ترانه «ساعت، دیوار،...» را سرود که بنیامین بهادری آن را خواند. اوایل دهه ۸۰ محسن چاوشی نفرین‌نامه‌ای خواند که به معشوق خودش توهین می‌کرد. این برای مخاطب چیز تازه‌ای بود، چون تا پیش از آن جز گل و بلبل نشنیده بود. اتفاق مهم دیگر شکل‌گیری خانه‌های ترانه در آغاز این دهه بود. اگر ترانه‌سراهای دهه‌های ۶۰ و ۷۰ مشفق کاشانی، علی معلم، سیمین بهبهانی و محمود شاهرخی بودند، در دهه ۸۰ خانه‌های ترانه و عصر شعر با افشین یداللهی، یغما گلرویی، مونا برزویی و... شکل گرفت.

رضایی بحرآباد: در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ما هرچه ترانه عاشقانه می‌خواستیم، داشتیم اما در دهه ۶۰ شرایط به گونه‌ای بود که ترانه‌سرا اجازه نداشت آن مضامین را وارد ترانه کند. همین مطالبه باعث شد مهم‌ترین و نوآورترین ژانر ترانه بعد از انقلاب، ژانر عاشقانه باشد. در دسته‌بندی مضمون‌های ترانه بعد از انقلاب مضامین مذهبی، وصف طبیعت، ملی و میهنی، سرودهای شاد مناسبتی شایان توجه است اما موسیقی عاشقانه به شکل تخصصی همان چیزی است که الان بعد از ۵۰ سال سعی کرده‌ایم در رجعت به دهه ۴۰ و ۵۰ داشته باشیم، گرچه نمی‌توان گفت این عاشقانه‌ها نوتر و بهتر از عاشقانه‌های پیش از انقلاب است.

دهه ۹۰

بدیع: اینکه آیا می‌توانیم بگوییم در دهه ۹۰، ترانه در سیر تحول خودش به کمال رسیده است، پاسخ مشخصی دارد. اگر قرار باشد ترانه را در آثار موسیقایی‌ای که امروز خوانندگان اجرا می‌کنند، بررسی کنیم، باید گفت در دهه ۹۰ به هیچ‌وپوچ رسیده‌ایم. برخلاف برخی که فکر می‌کنند امروز موسیقی متنوعی داریم، باید گفت ما امروز با تکرار برخی کلیشه‌ها روبه‌رو هستیم. کلمات بی‌مفهوم و سخیفی که در قالب‌های مختلف به نام ترانه تکرار می‌شود و ما با شنیدن کلمات سرقت‌شده و یا نامفهوم حمید هیراد و بهنام بانی فکر می‌کنیم آزادی رفتن به کنسرت را داریم و این اتفاق خوبی است! اما متأسفانه ما اصلا فرصت انتخاب برای شنیدن کلمات خوب را در موسیقی نداریم، چراکه گزینه‌هایمان گرچه متعدد ولی تکراری و محدود هستند. دهه ۹۰ دوره‌ای است که شکل‌گیری انواع و اقسام گروه‌های موسیقی ترانه را تا حدی زیادی نازل می‌کند.

شهرآرا ورزشی
حامی ورزش مشهد

آگهی مناقصه

موضوع: انجام خدمات پشتیبانی (پذیرایی و نظافتی)

سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد انجام کلیه امور مربوط به خدمات پشتیبانی (پذیرایی و نظافتی) ساختمانهای ستادی و توابع آن را برای مدت یکسال به شرکتهای واجد شرائط واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی دارای سوابق فعالیتی مرتبط و مورد تایید کمیته توانسنجی دعوت می گردد در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی مشهد بلوار وکیل آباد حدفاصل وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانها مراجعه نمایند.

آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد: پایان وقت اداری روز شنبه مورخه ۱۳۹۷/۰۳/۱۱

مبلغ برآورد مناقصه: ۸.۳۰۴.۸۶۳.۹۰۹ ریال

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴۲۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۱۷-۳۱۲۹۸۰۶۵ تماس حاصل فرمایید.
(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)

(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد)
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید

روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

همایون بادت این روز و همه روز

مروری بر زندگی هنری همایون شجریان به مناسبت زادروزش

زندگی با موسیقی

شکیبا افخمی‌راد| در طول سال‌ها فرزندان چهره‌های شاخص در حوزه‌های مختلف فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی را زمانی که می‌خواستند راه پدرانشان را ادامه دهند، خواه‌ناخواه برخی، محکوم به استفاده از رانت می‌کردند. در این بین اگر بخواهیم به‌طور خاص به مسئله موروثی بودن هنر بپردازیم، افراد بسیاری را می‌توانیم نام ببریم که به‌واسطه پدران و مادران خود وارد این عرصه شدند. برای این فرزندان شاید ورود به وادی هنر راحت‌تر از دیگر افراد عادی باشد، اما ماندگاری در یادها و محبوبیت، موضوعی نیست که به خانواده و ژن خوب بستگی داشته باشد. اینکه آن‌ها بتوانند شخصیتی مستقل برای خود تعریف کنند، کار سختی است و در این بین تنها افراد محدودی می‌توانند خود را از بند این اتهامات خارج و استعدادهایشان را ثابت کنند. همایون شجریان یکی از این افراد است که با حضور در کنسرت‌های پدرش و هم‌خوانی با او در چند آلبوم، در ابتدا با نام پسر محمدرضا شجریان به جامعه هنری معرفی شد اما پسر شجریان بودن برای همایون کافی نبود، از این‌رو او مسیر آرام و پیوسته‌ای را برای بیرون آمدن از زیر سایه پدر طی کرد و سرانجام توانست با نام و شخصیت خودش اعتبار کسب کند، به‌طوری که در این روزها گواهی‌نامه درجه یک هنری(معادل مدرک تحصیلی دکتری) شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور در رشته «آواز» را از آن خود کرده‌است. امروز همایون شجریان چهل‌وچهارساله می‌شود؛ هنرمندی که در تهران متولد شده است اما به‌دلیل مشهدی بودن پدرش، بسیاری به‌ویژه مردم مشهد، او را مشهدی می‌دانند. در نوشتار پیش‌رو به‌مناسبت تولد او مسیر زندگی هنری این خواننده محبوب را مرور می‌کنیم.

شروع اتفاقی اما سنجیده

فرزند محمدرضا شجریان بودن برای همایون برگ برنده‌ای بود که می‌توانست حضورش را از همان سنین نوجوانی در وادی موسیقی رقم بزند، اما او تصمیم گرفت مسیر خود در عرصه هنر را به‌آرامی طی کند. همایون موسیقی را با نوازندگی تنبک و زیرنظر استادانی چون ناصر فرهنگ‌فر و جمشید محبی آغاز و در ادامه نوازندگی سازهای دیگری چون کمانچه، تار، سنتور و پیانو را تجربه کرد. در کنار نوازندگی، تمرین‌های آواز او از همان کودکی چه با خواهرانش و چه در جلسات محدود با پدرش به‌صورت جدی دنبال می‌شد، حتی در زمان بلوغ که استاد شجریان نگران تغییر صدای همایون بود، پسرش را به کوه می‌برد و با او آنجا تمرین‌های آواز می‌کرد. حضور همایون در کنسرت‌ها نیز با نوازندگی آغاز شد. او از سال ۱۳۷۰ به‌عنوان نوازنده تنبک، محمدرضا شجریان و گروه آوا را در تور کنسرت‌هایشان همراهی می‌کرد تااینکه سرانجام براساس یک اتفاق، اولین تجربه هم‌خوانی با محمدرضا شجریان در سال ۱۳۷۸ و زمانی که ۲۴ سال داشت، رقم خورد. ماجرای این هم‌خوانی به اجرای کنسرت بزرگداشت گوته در آلمان برمی‌گردد. محمدرضا شجریان قصد داشت این کنسرت را به‌دلیل سرماخوردگی لغو کند اما همایون به پدرش پیشنهاد داد در آواز او را همراهی کند و کنسرت لغو نشود؛ اتفاقی ناخواسته که سرآغاز ورود همایون به دنیای خوانندگی شد. بعد از کنسرت آلمان، همایون در دیگر کنسرت‌های پدر علاوه‌بر نوازندگی به‌عنوان هم‌خوان نیز او را همراهی می‌کرد و این همراهی به اجرای کنسرت‌ها محدود نشد و دیری نگذشت که نام همایون در کنار محمدرضا شجریان در آلبوم‌های موسیقی نیز دیده شد. از جمله این آلبوم‌ها می‌توان به دو آلبوم موفق «بی‌تو به‌سر نمی‌شود» و «فریاد» که به‌ترتیب در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ نامزد دریافت جایزه گرمی شدند، اشاره کرد.

شروع استقلال

سرانجام سال ۱۳۸۲ همایون شجریان اولین آلبوم مستقل خود را با عنوان «نسیم وصل» به آهنگ‌سازی محمدجواد ضرابیان منتشر کرد تا فصل جدید فعالیت هنری‌اش رقم بخورد. در همین سال، کنسرت «هم‌نوا با بم» با حضور محمدرضا شجریان، کیهان کلهر، حسین علیزاده و همایون شجریان برای کمک به زلزله‌زدگان بم برگزار شد. رویدادی که به بیشتر دیده شدن همایون کمک کرد.

همایون بعد از انتشار «نسیم وصل» برای پررنگ ماندن فعالیت مستقلش، آلبوم‌های «شوق دوست» به آهنگ‌سازی محمدجواد ضرابیان، «ناشکیبا» به آهنگ‌سازی اردشیر کامکار، «نقش خیال» به آهنگ‌سازی علی قمصری و «با ستاره‌ها»، به آهنگ‌سازی محمدجواد ضرابیان را در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ روانه بازار موسیقی کرد و بعد از آن در سال ۱۳۸۶ برای اولین بار تیتراژ سریال تلویزیونی «رسم عاشقی» را خواند تا تجربه جدیدی در موسیقی کسب کند. فعالیت‌های شجریان پسر برای اثبات خود همچنان ادامه داشت و او یک سال بعد در سال ۱۳۸۷ با همکاری گروه دستان، آلبوم «قیژک کولی» که حاصل همکاری با نوازنده و آهنگ‌ساز مشهدی، حمید متبسم بود و آلبوم «خورشید آرزو» به آهنگ‌سازی سعید فرج‌پوری را روانه بازار موسیقی کرد.

تجدید پدر از پسر

در کنار این فعالیت‌های مستقل، شجریان پسر، همچنان در کنسرت‌ها و آلبوم‌های پدر حضور داشت تااینکه انتشار آلبوم «آه باران» در سال ۱۳۸۸ به همکاری‌های پدر و پسر پایان بخشید.

همایون در همین سال علاوه‌بر انتشار آلبوم «آب، نان، آواز» به آهنگ‌سازی علی قمصری، با دعوت بهروز غریب‌پور، کارگردان تئاتر، در اجرای اپرای عروسکی مولوی حضور پیدا کرد. او و محمد معتمدی، قطعاتی از گفت‌وگوی شمس و مولانا را اجرا کردند که موردتوجه و استقبال مردم قرار گرفت.

سال ۱۳۸۹ نیز برای همایون سال خوبی در وادی هنر بود. او اردیبهشت این سال با علی قمصری و گروه «هم‌نوازان حصار» کنسرتی برگزار کرد که واکنش مثبت استاد محمدرضا شجریان را نیز به‌همراه داشت. استاد شجریان که به‌عنوان مهمان در سالن کنسرت حاضر بود، بعد از این اجرا یادداشتی منتشر کرد و به تحسین از این اجرا پرداخت. او در قسمتی از این یادداشت برای همایون نوشته بود: «همایون نشان داد که فرزند خلف نغمه و آواز است و ریتم‌ها هرقدر ترکیبی و پیچیده باشند، به‌راحتی از عهده آن برمی‌آید و با استفاده از تکنیک خود، تحسین و تشویق همگان را برمی‌انگیزد.»

در همین سال همایون بار دیگر با حمید متبسم همکاری کرد و در کنار او پروژه عظیم سیمرغ را رقم زد؛ پروژه شاهنامه‌خوانی‌ای که داستان زندگی زال را روایت می‌کرد. قطعه سیمرغ، ساخته حمید متبسم، به خوانندگی همایون شجریان و با اجرای ارکستر بزرگ سازهای ملی به‌رهبری محمدرضا درویشی مرداد ۸۹ در ورزشگاه انقلاب تهران روی صحنه رفت و توانست نظر هنردوستان را جلب کند. بازخوانی تصنیف‌های قدیمی در آلبوم «شب جدایی»، بازیابی تصانیف منسوب به عبدالقادر مراغه‌ای در آلبوم «شوق‌نامه» و همکاری با سعید فرج‌پوری در آلبوم «ای جانِ جان! بی‌من مرو» از دیگر فعالیت‌های همایون در سال‌های ۸۹ و ۹۰ بود.

بی‌توجه به انتقادات

همایون موسیقی را با سبک سنتی شروع کرد اما کم‌کم با گسترده شدن همکاری‌اش با آهنگ‌سازهای مختلف به‌ویژه پورناظری‌ها، سبک موسیقی‌اش را از سنتی صرف خارج کرد؛ اتفاقی که موافقان و مخالفان زیادی داشت. استاد شجریان که از گوشه و کنار به گوش می‌رسد گویی با سبک و سیاق موسیقایی امروزی پسرش چندان موافق نیست. اما عده‌ای نیز بر این باورند که او با تکیه بر توانایی‌هایش و همکاری با آهنگ‌سازان مختلف، توانسته است نوعی از موسیقی را تولید کند که قشر وسیعی از مخاطبان از جمله نسل امروز را راضی می‌کند. همایون شجریان خود نیز در یکی از مصاحبه‌هایش با بیان اینکه موسیقی صرف سنتی برایش مثل آب خوردن است، درباره روی آوردن به سبک‌های دیگر موسیقی گفته است: «نسلی مثل نسل پدر من یا استاد مشکاتیان، استاد علیزاده و کسانی که در آن دوره بودند، چون موسیقی زمانه خودشان را ارائه می‌کردند، کار باارزشی انجام می‌دادند، بنابراین مردم آن را پذیرفتند. اولویت من نیز این است که موسیقی‌ای که اجرا می‌کنم، به درد جامعه امروز بخورد. من باید تلاش کنم از همه چیزهایی که در توانم هست و یاد گرفته‌ام، استفاده کنم و فرم جدیدی از موسیقی را ارائه دهم و ببینم آیا جامعه آن را دوست دارد یا نه.»

دهه۹۰ و افزایش طرفداران همایون

با وجود منتقدان بسیار، «آلبوم نه فرشته‌ام، نه شیطان» با ترانه‌هایی چون «چرا رفتی» و «کولی» با آهنگ‌سازی تهمورس پورناظری توانست علاوه‌بر مخاطبان خاص، مخاطبان عام موسیقی را نیز با همایون شجریان همراه کند، به‌طوری که بعد از انتشار این آلبوم، کنسرت‌های همایون بیش از پیش رونق گرفت و یکی پس از دیگری بلیت اجراهایش تمام شد، از این‌رو همایون با انتخاب‌های آزادانه خود، مسیر جدیدی را در موسیقی پیش گرفت و به‌سراغ سینما نیز رفت. «شهر آشوب» و «آتش سبز»، اولین کارهای همایون در عرصه موسیقی فیلم هستند اما به یادماندنی‌ترین کارهای او در این حوزه را می‌توان خواندن تیتراژ موسیقی دو فیلم «رگ خواب» و «آرایش غلیظ» دانست؛ جایی که مثلث حمید نعمت‌ا...، کارگردان این دو فیلم، همایون شجریان و سهراب پورناظری شکل گرفت و توانست موسیقی‌ای تولید کند که در یادها بماند.

از دیگر تجربه‌های متفاوت شجریان پسر، می‌توان به اجرای کنسرت نمایش سی در تابستان ۹۶ در کاخ سعدآباد اشاره کرد؛ اجرایی براساس سه داستان از داستان‌های شاهنامه(زال و رودابه، رستم و اسفندیار و رستم و سهراب) با بازی بازیگرانی چون صابر ابر، مهدی پاکدل، سحر دولتشاهی و بهرام رادان. شجریان در این نمایش-کنسرت به مدت ۳۰ شب، هر شب برای ۴هزارنفر به اجرای برنامه پرداخت؛ کاری که از کمتر خواننده‌ای برمی‌آید و نشان از حنجره تربیت‌شده همایون دارد.

او بلافاصله بعد از این تجربه تور آلبوم «ایران من» را آغاز کرد. همکاری دیگر سهراب پورناظری و همایون شجریان که با اجرای قطعاتی در سبک‌های مختلف همراه بود، بار دیگر استقبال مخاطبان را به‌دنبال داشت، به‌طوری که علاوه‌بر تمام شدن بلیت‌های کنسرت «ایران من»، همچنان بعد از گذشت بیش از هشت ماه از انتشار این آلبوم، «ایران من» همچنان جزو پرمخاطب‌ترین آلبوم‌هاست.

آلبوم «چه آتش‌ها» به آهنگ‌سازی علی قمصری، «مستور مست» اثر ژانو باغومیان، «خداوندان اسرار» سهراب پورناظری و آلبوم «امشب کنار غزل‌های من بخواب» از ساخته‌های فردین خلعتبری و با اشعار مرحوم افشین یداللهی، از دیگر آلبوم‌های منتشرشده همایون در دهه ۹۰ هستند.

همراه با مردم

همایون شجریان در تعامل و دوستی با هواخواهانش نیز زبانزد است، از عکس یادگاری‌اش با پسرک واکسی در اینستاگرامش گرفته تا انتشار ویدئوی هم‌خوانی‌اش با «تکتم» در فضای مجازی؛ او آذرماه سال گذشته در موسسه خیریه همدم مشهد حاضر شد تا اجرای گروه سرود آوای همدم را ببیند. پس از این اجرا، همایون بدون هماهنگی و تمرین قبلی بر روی سن رفت تا با تکتم، دختر محبوب موسسه همدم، هم‌خوانی کند. ویدئوی هم‌خوانی همایون با تکتم و خواندن ترانه عاشقانه «خوب شد» به‌سرعت در فضای مجازی دست‌به‌دست شد. هنرمندان بسیاری این فیلم را در صفحات خود بازنشر کردند تا یادآوری کنند افراد کمی مثل همایون شجریان هستند که متواضع بر روی صحنه حاضر می‌شوند و بی‌دریغ به اجرای برنامه می‌پردازند.

همایون شجریان در جدیدترین فعالیت خود قرار است مدیریت یک موزه در مشهد را برعهده بگیرد؛ موزه «مشاهیر موسیقی خراسان» که به همت خانواده شجریان قرار است به‌زودی برپا شود. با آغاز به کار این موزه و فعالیت همایون، شاید بیشتر بتوان به حضور این خواننده در مشهد امیدوار بود؛ حضوری که احتمالا می‌تواند سرآغاز اتفاقات خوبی برای موسیقی شهرمان باشد.

نماشهر

ساناز صفائی | شهرآرا

«افسانه وبای» روی صحنه

نمایش «افسانه وبای» به کارگردانی محمدعلی صباغی هرشب ساعت ۲۱:۳۰ در سالن آمفی تئاتر هلال احمر در میدان ده دی به روی صحنه می‌رود. ژانر این نمایش موزیکال ۸۰دقیقه‌ای، کمدی اجتماعی است و به بیان معضلات فضای مجازی، خرافات و اعتیاد می‌پردازد.

ماحصل بداهه‌ها

جلسه نقد و بررسی آلبوم «ماه و ماهی» حجت اشرف‌زاده برگزار شد

گزارش

رضا زوزنی| بسیاری از مخاطبان دنیای موسیقی که آثار خوانندگان ایرانی را دنبال می‌کنند، بی‌شک قطعه «ماه‌وماهی» حجت اشرف‌زاده، خواننده نیشابوری، را شنیده‌اند.

ماه و ماهی در یک آلبوم به همین نام در سال ۱۳۹۴ به همراه هشت قطعه دیگر با ترانه‌سرایی علیرضا بدیع و تنظیم و آهنگ‌سازی آرش و امیر بیات که دو برادر مشهدی هستند، روانه بازار موسیقی شد.

یکشنبه ۲۹ اردیبهشت کانون موسیقی و کانون شعر و ادب دانشگاه فردوسی مشهد جلسه نقد و بررسی این آلبوم را با حضور تنظیم‌کننده و آهنگ‌ساز و ترانه‌سرای «ماه و ماهی» در سالن آمفی تئاتر مجمع کانون‌های این دانشگاه برگزار کرد که در این نشست، امیر ختایی، موسیقی‌دان، نیز به‌عنوان منتقد حضور داشت.

نخست آرش بیات درباره زحماتی که خود و برادرش برای تنظیم قطعات آلبوم ماه و ماهی کشیده‌اند، گفت: «قطعه «پاییز» چهاربار تنظیم شد و نسخه نهایی بعد از چهاربار اصلاح در اختیار مخاطب قرار گرفت، حتی تنظیم قطعه «عشق آمد» هم بیشتر از یک سال زمان برد و جالب است بگویم ایده تنظیم بعضی قسمت‌های این قطعه، زمان ضبط به ذهن من خطور می‌کرد. این قطعه از مابقی قطعات «ماه و ماهی» تکنیکال‌تر بود و من فکر می‌کردم بیشتر از بقیه قطعات این آلبوم، شنیده شود ولی این‌طور نشد.»

اما امیر بیات در تشریح شرایط همکاری با حجت اشرف‌زاده در خلال صحبت‌هایش گفت که «ماه‌وماهی» در اوج سادگی و بدون اینکه برای فروش نقشه‌ای بکشیم، ساخته شد: «موسیقی امروز ما یک بازار هدفمند دارد. برخی اشخاص خاص به‌طور هدفمند در این مارکت رشد می‌کنند. تبلیغات شبکه‌های مجازی هم برای همین افراد خاص است. چند سالی کار می‌کنند و تهیه‌کننده‌ها و گردانندگان مارکت موسیقی روی آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند و به شهرت می‌رسند و بعد از اینکه به‌طور کافی سوددهی کردند، تمام می‌شوند. می‌بینید که خواننده‌هایی که دو سال پیش در اوج بودند، الان نیستند و در موسیقی، افرادی را داریم که تک‌وتنها کار می‌کنند و کارهای اصیل و فاخری هم انجام می‌دهند اما کسی آن‌ها را نمی‌شناسد.»

منتقد این جلسه هم نوک پیکان نقدش را از روی سازندگان آلبوم به سمت مخاطبان چرخاند و با طرح این سوال که چند درصد مخاطبان موسیقی و ملودی یک قطعه را گوش می‌کنند، ادامه داد: منظور از گوش کردن، شنیدن نیست. منظور این است که در هنگام پخش یک قطعه هیچ کار دیگری به غیر از گوش کردن به موسیقی انجام ندهید. معمولا رویارویی ما با موسیقی، «شنیدن» است نه «گوش کردن». مخاطب چه اندازه از کلام موسیقی خارج می‌شود و تنظیم را می‌شنود؟ ما بزرگ‌ترین لطفی که به موسیقی می‌کنیم، این است که موسیقی را خوب گوش کنیم.

علیرضا بدیع، ترانه‌سرای آلبوم، نیز درباره چگونگی شکل‌گیری ترانه‌های ماه و ماهی گفت: بیشتر ترانه‌ها و ملودی‌ها در شب‌نشینی‌هایی که با حجت اشرف‌زاده داشتیم، شکل می‌گرفت. به این ترتیب که حجت ساز می‌زد و من شعر می‌خواندم و از میان آن بداهه‌ها، قطعات جذابی استخراج می‌شد که درخوراعتنا بود.

برگزاری آیین نکوداشت استاد لباف‌خانیکی

آیین نکوداشت استاد رجبعلی لباف خانیکی پیشکسوت باستان شناسی خراسان در موزه بزرگ خراسان برگزار شد. به گزارش شهرآرا در این مراسم مدیران کل اسبق میراث فرهنگی خراسان رضوی، پیشکسوتان فرهنگ و تاریخ و ادبیات خراسان، مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان، معاونان و مدیران اداره کل، اعضای شورای شهر و جمعی از مسئولان استان، استادان دانشگاه و شاگردان وی حضور داشتند.

پیش ازاین مراسم هم در آیینی کاشی ماندگار این استاد برجسته باستان شناسی در مقابل منزلش نصب گردید.

صاحب خبر

① جواد خواجوی، کمدین شناخته‌شده مشهدی در فضای مجازی، که سابقه بازیگری تئاتر را نیز در کارنامه خود دارد، به‌زودی با بازی در یک سریال در تلویزیون حاضر می‌شود. مجموعه تلویزیونی «محرمانه» به کارگردانی مسلم تهرانی و تهیه‌کنندگی عطا پناهی پس از پشت‌سر گذاشتن مراحل تولید، در ۲۶قسمت آماده نمایش شده است و به‌زودی روی آنتن تلویزیون می‌رود. این سریال به‌صورت اپیزودی ساخته شده است و هر قسمت آن یک نمونه از دغدغه‌های نوجوانان امروزی را درقالب طنز بیان می‌کند. علاوه‌بر جواد خواجوی، حسین رفیعی و افشین سنگ‌چاپ نیز در این سریال نقش می‌آفرینند.

② نمایش کمدی «افسانه وبای» به نویسندگی و کارگردانی محمدعلی صباغی هرشب ساعت ۲۱:۳۰ در سالن هلال احمر به‌روی صحنه می‌رود. در این نمایش سعید توکلی، علیرضا ضیا چمنی، جلال شهبازنژاد و امیر محاسبتی به ایفای نقش می‌پردازند. «افسانه وبای» روایتی است بدون زمان و مکان که درقالب کمدی اجتماعی به بیان معضلات فضای مجازی، خرافات و اعتیاد می‌پردازد. سالن آمفی تئاتر هلال احمر در میدان ده دی واقع شده است.

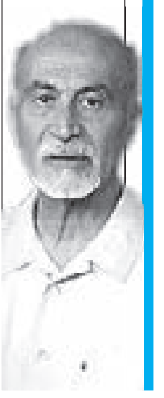حاتم عسکری، پژوهشگر موسیقی:
در ماه رمضان دهل و نقاره در زمان اذان صبح و اذان مغرب در نقاره‌خانه‌ها یا مکان‌های خاصی نواخته می‌شد و پس از اجرای این موسیقی، توپ خاصی به نام زنبورک (شمخال) به صدا درمی‌آمد اما اکنون موسیقی رمضان درحال منسوخ شدن است.